

## بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: شهرستان نهاوند)\*

منصور حقیقتیان<sup>۱</sup>

مسعود دارابی<sup>۳</sup>

### چکیده

طی چند دهه اخیر، نهاد خانواده متأثر از ورود، فرآیند و پیامدهای نوسازی تغییر و تحولات ژرفی را در دو سطح عینی- ساختاری و ذهنی معنایی تجربه کرده است و با مسائل جدیدی مواجه شده است که برخی از آنها معرف پیشرفت و رفاه و برخی دیگر مبین مسائل اجتماعی آسیب‌زایی‌اند که به مثابه عواملی بازدارنده از سرعت پیشرفت و توسعه در جامعه می‌کاهند. بنابراین هدف پژوهش حاضر به بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده در شهرستان نهاوند می‌پردازد. به منظور دست‌یابی به این هدف از بین عوامل و متغیرهای گوناگونی که در فرآیند نوسازی بر تحولات خانواده تأثیرگذار است، متغیرهای ریسک‌پذیری، بازانديشي، کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شده است. مبانی نظری متغیرها و پارامترهای این پژوهش، بر مبنای نظریات: اسملسر، گود، گیدنز و اریش بک و اینگلهارت تدوین شده است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه دارای قابلیت اعتماد و اعتبار است. جامعه آماری پژوهش، از افراد ۱۸ سال به بالاتر اعضای خانواده‌ها در شهرستان نهاوند است، حجم نمونه ۳۹۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران و با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمده است. روش اصلی در تحلیل داده‌ها، رگرسیون و مدل‌سازی معادلات ساختاری است. نتایج نشان می‌دهد که سه مؤلفه نوسازی فرهنگی یعنی، ریسک‌پذیری، بازانديشي، کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی بر افول اشکال خانواده و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده است. بعد ریسک‌پذیری بیشترین میانگین را (۳.۳۸) داراست و کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی با مقدار ۳.۰۲ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد. و در کل میانگین فرآیند نوسازی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۳.۲۵ بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که نوسازی و مؤلفه‌های آن در مجموع ۲۵. واریانس تحولات ارزشی خانواده را تبیین می‌کند.

**کلید واژه‌ها:** تغییرات خانواده، نوسازی، بازانديشي، ریسک‌پذیری، کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی.

\* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، اصفهان، ایران masoud.darabi@gmail.com

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

رویکرد مدرنیزاسیون بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات و این‌که با ورود آنها به هر جامعه سنتی تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری - کارکردی و ارزشی در جامعه پدید می‌آید، تأکید دارد. طبیعتاً خانواده نی به عنوان ساختاری در جامعه، تحت تأثیر این تغییرات قرار داشته است و در جریان این تحولات، ساختار، کارکرد و ارزشهای حاکم بر آن دچار تحولات چشمگیری گشته است. در خلال چند دهه گذشته ساختار و کارکردهای نهاد خانواده با تغییر و تحولاتی وسیع همراه بوده است. در این زمینه می‌توان به کاهش باروری و کوچک شدن بعد خانواده، گسترش خانواده هسته‌ای، به تاخیر انداختن ازدواج، افزایش جدایی و طلاق، ظهور اشکال جدید از پیوند میان دو جنس (ازدواج سفید)، افزایش خانوارهای زن سرپرست، گذر از تنظیمات هنجاری سنتی ازدواج به انتخابهای فردی مدرن، تغییر روابط جنسیتی و بین‌نسلی، تغییر از مکمل بودن نقش زنان به سمت برابری و تغییر از روابط فرمان بردارانه به سمت مذاکره و غیره اشاره کرد. امروزه تغییر و تحول خانواده دیگر مسأله‌ای منحصر به جامعه یا جوامعی خاص نیست، بلکه مسأله‌ای است که دیر یا زود، همه جوامع با آن روبرو خواهند شد. همان‌گونه که گیدنز اشاره می‌کند، مسأله‌ای جهانی است. از این‌رو، برخی از جامعه‌شناسان از جمله ویلیام گود (۱۹۶۳) ایده وقوع انقلاب جهانی در خانواده را مطرح نموده‌اند. تورنتون و همکارانش (۲۰۰۴) نیز بر این عقیده اند که تغییرات خانواده بعد جهانی داشته و علاوه بر جوامع غربی در سایر جوامع نیز از گستره و شتابی چشمگیر برخوردار بوده است. گرچه گاهی به علت تفاوت‌های میان فرهنگی، این تغییرات دارای ماهیت نسبتاً متفاوتی هستند. در جامعه‌ی ایران نیز خانواده در طول چند دهه‌ی اخیر عمدتاً به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌های نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن، شاهد تغییراتی متعدد بوده است. در بستر فرآیند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل هم‌بسته‌ی اجتماع سنتی و نهادهای متعارف آن به وجود آمده که خود منجر به ایجاد تغییراتی در ساختار و کارکردهای نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و خویشاوندی شده است. به همین دلیل، خانواده به مثابه "کوره تغییر" تلقی می‌شود زیرا بسیاری از تغییرات اتفاق افتاده در نظام اجتماعی بزرگتر را منعکس می‌کند.

به دنبال تحولات بنیادین در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی که باعث دگرگونی‌های فراوان در ساختار خانواده و به تبع آن کارکردهایش در سراسر جهان شده، به نظر می‌رسد این فرآیند به همین‌جا ختم نشده و علاوه بر تأثیرگذاری بر ساختارها و کارکردها، ارزش‌های خانواده را تحت‌الشعاع قرار دهد. در واقع مدرنیته نظم جدیدی را سبب شده که در سبک زندگی، عادات، ارزش‌ها و شیوه-

های تفکر افراد تغییراتی را پدیدار کرده است. در چنین شرایطی، ارزش‌ها، نهادها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین می‌کنند بوجود می‌آیند و الگوهای جدید زندگی با سبک‌های تربیتی خاص خود نمایان می‌شوند تا کارکردهای موردنیاز نظام اجتماعی جدید را فراهم آورند. به دنبال این تغییرات، سرنوشت افراد دیگر تحت عوامل خارج از آنها، مانند محیط زندگی، خانواده، طبقه و جنسیت تعیین نمی‌شود، بلکه با گسترش فرایند مدرنیزاسیون و رشد نهادهای اجتماعی شدن جدید مانند آموزش و پرورش و نهادهای تربیتی - درمانی، فرد تا حد زیادی از تسلط عوامل پیشین خارج می‌شود. این فضای جدید، مروج آزادی، رقابت، عقلانیت، پیشرفت، خوداتکایی، کارآفرینی برای افراد است و سبب می‌شود تا بر دامنه فرایند فردی شدن افزوده شود و بیش از پیش زندگی به امری انتخابی و توأم با برنامه ریزی‌های شخصی تبدیل شود.

بر این اساس، این مقاله با هدف بررسی تغییرات ارزشی خانواده در بستر نوسازی فرهنگی در میان خانواده‌های شهری و روستایی در شهرستان نهاوند (از توابع استان همدان) پرداخته است. در این راستا از یک سو به تأثیرات نوسازی فرهنگی و ابعاد مختلف آن یعنی بازاندیشی، کمرنگ شدن باورهای مذهبی و ریسک‌پذیری بر ابعاد در حال تغییر خانواده می‌پردازیم. به این ترتیب این مقاله بر مبنای تحقیق میدانی در اجتماع مورد مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است: اینکه، نهاد خانواده و ابعاد مختلف آن تحت تأثیر نوسازی فرهنگی و ابعاد آن چه تغییراتی را تجربه کرده است؟

## ۲- پیشینه تجربی تحقیق

در ایران نیز مطالعات متعددی در حوزه خانواده صورت گرفته است. برای نمونه، آقاجانیان (۲۰۰۱) در مطالعه‌ی خود به بررسی خانواده و تغییر خانواده در ایران پرداخته است و عوامل مختلف مؤثر بر این تغییرات را مورد بررسی قرار داده است. وی بر این عقیده است که نهاد خانواده در ایران کنونی تحت نفوذ و تأثیر تمدن ایران قبل از اسلام، ارزش‌ها و دکترین‌های اسلامی، تلاش‌ها و فعالیت‌های نوسازی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ ویرانگر و تلاش‌های اخیر برای توسعه اقتصادی می‌باشد. علاوه بر این، نفوذهای تاریخی و تنوع قومی ایران همیشه الگوهای ازدواج و خانواده را تحت تأثیر قرار داده است.

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "توسعه و تغییرات خانواده: تأکیدی بر تحولات ارزشی با استفاده از داده‌های جهانی" معتقدند که سرعت تغییرات و تحولات جهانی در ده‌های اخیر نگرانی‌هایی را برای مردم و اندیشمندان حوزه خانواده به وجود آورده است. برخی این تغییرات را ضرورت زندگی امروزه بشر و برخی آن را در تضاد با ارزش‌های حاکم و اصیل

انسانی می‌دانند. نظریه‌پردازان مدرنیزاسیون و همگرایی خانواده، ایدآلیسم توسعه، نظریه‌گذار دوم جمعیتی و توسعه انسانی معتقدند که توسعه مهمترین عامل تغییرات و تحولات خانواده محسوب می‌شود. این مقاله پس از مرور ادبیات نظری، با تحلیلی ثانویه داده‌های موجود در پنج موج پیمایش ارزشهای جهانی اینگلهارت و همچنین داده‌های جمعیتی بانک جهانی سعی در تحلیل روند تغییرات خانواده و اثرگذاری توسعه بر آن را دارد. نتایج نشان می‌دهد که الگوهای رقیب و عوامل تهدید مانند سن ازدواج، طلاق، هم‌بالینی، همجنس‌گرایی، سقط جنین و روسپیگری رو به افزایش بوده و از سوی دیگر باورها و نهادهای حامی خانواده مانند خدا‌باوری و دین اهمیت گذشته خود را از دست داده و تضعیف شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته از این جهت وجود دارد.

جمشیدپها و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با موضوع "نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیت بر تحولات خانواده در تهران" که با روش کیفی انجام شده و جمع‌آوری داده‌ها با مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، به لحاظ جنسیتی، تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای بین زنان و مردان در تعریف ویژگی‌های خانوادگی سنتی و مدرن، روایت آنان از دگرگونی ساختار و روابط خانوادگی در جریان تحول خانواده، نحوه مواجهه و میزان پذیرش این تغییرات، و شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در این زمینه وجود دارد.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده» که از روش پیمایشی و از تکنیک پرسش‌نامه استفاده نموده‌اند، نتایج تحقیق بازگویی آن است که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، سرمایه درونی بیشترین تأثیر را بر ارزش‌های حوزه خانواده به ویژه ارزش‌های مدرن در سطح معنی‌داری داشته است، به این معنی که با افزایش سرمایه درونی خانواده ارزشهای مدرن خانواده بیشتر شده و ارزشهای سنتی نیز کاهش یافته است. از میان متغیرهای اثرگذار دیگر بر ارزش‌های مدرن خانواده، جهت‌گیری عام‌گرایی اثرات مثبت و معنی‌داری بر ارزش‌های خانوادگی داشت و اثرگذاری سرمایه بیرونی هم بر ارزش‌های مدرن خانواده مثبت و معنی‌دار است. نتایج تحقیق بازگویی آن است که میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و ارزش‌های آن ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی‌اند و ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند.

محمدپور (۱۳۸۰) در مطالعه‌ی خود پیرامون فرآیند و پیامدهای نوسازی در شهرستان سردشت از ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۹ بر تأثیرات نوسازی بر تغییرات ایجاد شده در خانواده تأکید دارد. همچنین

محمدپور (۱۳۸۵) در بخشی از کار دیگر خود با عنوان بازسازی معنایی توسعه و تغییرات اجتماعی در منطقه ی اورامان کردستان به مطالعه تحولات خانواده و بینش ساکنان در مورد این تغییرات و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است و به این نتیجه رسیده که جامعه اورامان در معرض خطر تضعیف شدید روابط خویشاوندی است و این خطر نتیجه ناخواسته نوسازی است. ساکنان این منطقه از این نوع گسست پیوندها به هیچ وجه راضی نیستند. آنان در محاصره عناصر نوسازی قرار دارند. اما صرفاً نوسازی را در حد رفع نیازها و ملزومات زندگی قبول دارند. از دید ساکنان، نوسازی عامل مهمی در کاهش تعاملات به ویژه در حوزه خویشاوندی بوده است.

هیرشمن و هومین (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای پیرامون تأثیرات نوسازی بر ساختار خانواده پدر مکانی در کشور ویتنام پرداخته‌اند. در حقیقت آنها به بررسی و آزمودن نظریه ویلیام گود می‌پردازند. آنان به این نتیجه رسیدند که علیرغم وجود فرآیند نوسازی و شیوع مشاغل غیر کشاورزی و بالارفتن سن ازدواج، این نوع الگوی خانواده تغییر محسوسی نکرده است. یعنی سکونت بین نسلی برای جوامع مدرنیزه‌شده هنوز کارکرد خود را حفظ کرده و مورد استقبال است.

نینا تورن (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای پیرامون گذار خانواده از شکل سنتی به شکل مدرن در اسرائیل، به نیروهای مؤثر در تغییر و یا حفظ الگوهای خانواده پرداخته است. به نظر وی دو نوع نیروی متضاد در رابطه با خانواده عمل می‌کنند. عواملی که در مقابل تغییر مقاومت می‌کند همچون مذهب، خانواده‌گرایی و موقعیت سیاسی و عواملی که محرک تغییر هستند، همچون تأثیرات فرهنگ جهانی و نیاز به انطباق با محیط‌های متغیر، در نتیجه، جهره این تغییرات را می‌توان در پدیده‌های ازدواج، طلاق، باروری و صورت‌بندیهای جدید خانواده مشاهده اندازه‌گیری کرد. این مطالعه نشان می‌دهد که بخش اعظمی از زنان متأهل و مادران، هم خانواده و هم کار در بازار کار را به عنوان اموراتی مهم و قابل توجه مد نظر داشته و آنها را با هم ترکیب کرده‌اند. روحیات حرفه‌ای آنها به شدت در احاطه هنجارهای سنتی و خانواده‌گرایی است.

مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶) نیز به بررسی تأثیر عوامل نوسازی و عوامل فرهنگی و سنتی بر زمان ازدواج در سریلانکا پرداختند. این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای در زمان ازدواج زنان در سریلانکا دارد. با این حال، نقش ایده‌ها و هنجارهای مدرن بطور قابل توجهی مهم و البته تا حدودی مبهم می‌باشد. در حقیقت، یافته‌های این بررسی بیانگر ارتباط متقابل عوامل نوسازی و فرهنگی و سنتی در تعیین زمان ازدواج است. همچنین تحقیقات دیگری مانند سیوندرام (۲۰۰۵) چارچوب نوسازی را در تبیین تغییرات زمان ازدواج ناکافی می‌دانند.

### ۳- چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

#### ۳-۱- نظریه تمایز ساختی اسملسر

اسملسر از جامعه‌شناسانی است که در بحث نوسازی به تمایزات اجتماعی توجه داشته و محور اندیشه‌ی خود را بر تمایزات ساختی استوار می‌کند. به نظر وی در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به صورت کامل صورت گرفته، ولی جامعه توسعه‌نیافته فاقد چنین تفکیکی است. پس تغییر روی تفکیک متمرکز شده و فرآیندی است که در آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای قبلی استمرار می‌یابد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰). به نظر وی نوسازی ناظر بر این نکته است که تغییرات فنی، اقتصادی و بوم‌شناختی همه رشته‌هایی هستند که از درون کلیت جامعه و فرهنگ سر بر می‌کشند. از دیدگاه وی در یک جامعه که در معرض فرآیند نوسازی است می‌توانیم شاهد تغییراتی در قلمروهای زیر باشیم:

در قلمرو سیاست، نظام‌های اقتدار قبیله‌ای و دهکده‌ای جای خود را به نظام‌های اداری و سیاسی رسمی می‌دهند. - در قلمرو تعلیم و تربیت، جامعه برای کاهش بیسوادی تلاش می‌کند و مهارتهایی که از نظر اقتصادی مولد هستند بیشتر می‌شود. - در قلمرو خانواده، واحدهای وسیع خویشاوندی گسترده‌گی خود را از دست می‌دهند. از نظر طبقاتی تحرک اجتماعی و جغرافیایی، نظام‌های ثابت سلسله مراتب را سست می‌کند. - در زمینه‌ی تکنولوژی فنون ساده و سنتی جای خود را به فنون علمی می‌دهد. در زمینه‌ی کشاورزی زراعت معیشتی تبدیل به زراعت تجاری و مکانیزه می‌شود. - در زمینه صنعتی انرژی حاصل از بازوی انسان و حیوان جای خود را به انرژی ماشینی و کارخانه‌ای می‌دهد و در زمینه بوم‌شناختی حرکت جمعیت و نیروهای انسانی را از مزارع و روستاها به شهرها داریم (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

به نظر اسملسر در ساختار خانواده تغییرات چندی رخ می‌دهد به عنوان مثال صنعت خانگی به صنعت کارخانه‌ای تبدیل می‌شود. کارکردهای آموزشی که سابقاً از طریق خانواده و نهادهای مذهبی صورت می‌گرفت در واحد تخصصی‌تر به نام مدرسه مستقر می‌شود. به نظر وی در فعالیت‌های خانواده فرآیند تمایز ساختی باید ناظر بر رهایی خانواده از برخی کارکردهای سابق و تبدیل به یک کارگزاری تخصصی‌شده‌تر باشد و این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است. فواید این جدایی‌ها از این قرارند: تضعیف نظارت مستقیم بزرگترها و همجواری خویشاوندی بر خانواده هسته‌ای، افزایش گزینش شخصی در ارتباط با ازدواج، ارتقای پایگاه و منزلت زنان در جامعه و افزایش فشار علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار

(زاهدی، ۱۳۸۶: ۹۸).

### ۳-۲- چارچوب نظری ایده آلیسم توسعه

شواهد چشمگیری نشان می‌دهد که چارچوب‌های ایده‌ای بر رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. بطور مثال، لستق و همکارانش، تأکیدات فراوانی را بر مساوات‌طلبی و فردگرایی به عنوان نیروهای اجتماعی مهم برای تغییرات جهانی خانواده نشان می‌دهند (لستق، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳؛ لستق و ویلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸؛ لستق و سورکین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ لستق و نیلز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ لستق و نیدرت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶؛ لستق و سورکین، ۲۰۰۸). در این راستا می‌توان به مکاتب فلسفی و روان‌شناختی انسان‌گرا و بطور خاص نظریه‌های اریش فروم<sup>۵</sup>، آبراهام مسلو<sup>۶</sup> و کارل راجرز<sup>۷</sup> اشاره کرد که بر ارزشهایی مانند استقلال، عدم وابستگی، رشد و خلاقیت تأکید کرده‌اند. این نظریه‌ها که بطور کلی بر ادراک فردی از خویشتن تأکید داشتند، بر نظریه‌های سابق مانند نظریه آدلر<sup>۸</sup> که انطباق را راه حل مشکلات فردی می‌دانستند، غلبه کرده و به این ترتیب در تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های راجع به خانواده، نقش قابل توجهی را ایفا کردند. (بستان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

آکس اینکلز<sup>۹</sup> از مدرن شدن شخصی به عنوان مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها دفاع کرده است. تئوری او نمونه موفقی از فردگرایی را در خانواده ارائه می‌دهد؛ مرد مدرن تنها می‌ماند، آگاه، مستقل از اجبارات و الزامات فامیلی و قید و بندهای سنتی است (هارون، ۱۹۷۹: ۱۹۲). این فردگرایی که می‌تواند به عنوان کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت به خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن آنرا در مقایسه با زمانی که توسط خانواده انجام می‌شد، متحول می‌کند. از این رو شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است. ازدواج‌های با انتخاب آزاد معمولاً با سنین ازدواج بالاتر همبسته‌اند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱). کولتر معتقد است اگرچه پژوهش‌های زیادی مبنی بر صحه گذاشتن به اهمیت و پویایی چارچوب‌های ایده‌ای در طول زمان و مکان صورت گرفته است، ولی این پژوهشها قادر به توصیف این که چه چیز موجب می‌شود تا افراد خود را با ایده‌های جدید تطبیق

- 1 . Wilson
- 2 . Surkyn
- 3 . Neels
- 4 . Neidert
- 5 . Erich Fromm
- 6 . Abraham Maslow
- 7 . Carl Rogers
- 8 . Alfred Adler
- 9 . Alex Inkeles

دهند (بطور کلی غربی یا مدرن) نیستند (کولتر، ۲۰۱۰: ۳). در واقع تغییرات الگوهای خانواده تا اواسط قرن ۲۰ در قالب «پارادایم توسعه» مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت. «در این پارادایم، تغییر بصورت طبیعی، یکنواخت، ضروری و جهت‌دار در نظر گرفته می‌شد» (تورنتون، ۲۰۰۱: ۴۵۰).

جامعه غربی بطور عام و خانواده غربی بطور خاص به عنوان معیاری برای سنجش توسعه‌یافتگی در نظر گرفته شده و دستیابی به الگوی خانواده غربی به عنوان شرط لازم برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه یافته مطرح می‌گردد. جامعه‌ای فردگرا با حضور کم‌رنگ سازمان‌های خانوادگی و برخوردار از ویژگی‌هایی همچون رواج بیشتر خانواده‌های هسته‌ای، سن ازدواج بالاتر، عمومیت پایین‌تر ازدواج، استقلال بیشتر جوانان در اموری همچون همسرگزینی و ارتقاء پایگاه زنان. به این ترتیب جامعه غربی در یک سوی طیف قرار گرفته و سایر جوامع به میزان متفاوتی که با ویژگی‌های این جامعه «مدرن» یا «توسعه‌یافته» پیدا می‌کردند به عنوان «سنتی» یا «کمتر توسعه‌یافته» در نظر گرفته می‌شدند (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۲). تئوری‌های نوسازی راههای ممکن را برای مردم فراهم ساخت تا جهان اجتماعی اطراف خودشان را تغییر دهند (تورنتون، ۲۰۰۵). اهمیت این تئوری‌ها برای دانشمندان در این بوده است که این تئوری‌ها وجود ارتباطات علی بین زندگی خانوادگی مدرن و جوامع مدرن را نشان می‌دهند. (مالتوس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶؛ تورنتون، ۲۰۰۵). در جریان اخیر اخیر نوسازی (تورنتون، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵) در مورد بسته‌ای از ایده‌ها بحث می‌کند و آن را بسته ایده‌آلیسم توسعه<sup>۲</sup> (DI) نامگذاری می‌کند که در جهان شیوع یافته و به عنوان نیروی اصلی تغییرات جمعیتی خانواده شده است. این تئوری به این که چرا جهان غیرغربی می‌تواند تحت ایده‌های غربی و مدرن قرار بگیرد توجه می‌کند. بنابراین، این تئوری دلیلی را برای این که چرا مردم شرایطشان را دوباره تعریف می‌کنند و بنابراین بر طبق ارزشها و پیش‌بینی‌های جدید عمل می‌کنند، ارائه می‌دهند. آن همچنین به نیروهای ایده‌ای به عنوان مطلوب برای استانداردهای بالاتر زندگی، مطلوب برای آزادی و برابری، تأکید بر عامل فردی در مقابل قضا و قدرگرایی، فردگرایی، شکاکیت نسبت به اقتدار نهادها، توانمندسازی زنان و نسل جوان، مطلوب برای خانواده‌های کوچکتر، ازدواج حساب شده و سنجیده و کنترل بارداری اشاره می‌کند (کولتر، ۲۰۱۰، ۴-۵؛ کولتر، ۲۰۰۹).

تورنتون (۲۰۰۱، ۲۰۰۵) مطرح می‌کند که تئوری‌های توسعه به وسیله اندیشمندان علوم اجتماعی قدیمی بکار گرفته شده‌اند که مجموعه‌ای از قضایا را پدید آورده‌اند که نیرویی برای تغییر

1. Paradigm
2. Malthus
3. Developmental idealism



خانواده در طول دو قرن گذشته شده است. این مدلها جهت و مسیر آینده خانواده و تغییرات اجتماعی را پیش‌بینی کردند. ۴ قضیه بسته DI عبارتند از: (۱) جامعه مدرن که صنعتی و شهری شده و با تحصیلات بالا و همراه با تکنولوژی پیشرفته است، خوب و قابل دستیابی است. (۲) خانواده‌های مدرن که با داشتن سطوح بالایی فردگرایی، جایگاه بالای زنان، ازدواج‌های سنجیده، ازدواج‌هایی که توسط زوجین ترتیب یافته، استقلال بالاتر جوانان، خانوارهای کوچک و باروری کمتر و کنترل شده تعریف می‌شود، خانواده مرجح است. (۳) جامعه مدرن و خانواده مدرن بطور علی به هم مرتبط شده‌اند. (۴) افراد حق آزاد بودن و برابر بودن دارند. تورنتون ادعا می‌کند که DI بطور گسترده‌ای از طریق مکانیزم‌های فراوانی در کل جهان اشاعه یافته است و به طرز استثنایی نیروی قوی‌ای برای تغییر خانواده در طول قرن ۱۹ و ۲۰ شده است.

### ۳-۳- تئوری گذار دوم جمعیتی

تئوری گذار دوم جمعیتی (SDT)<sup>۱</sup> نیز به ارتباط تغییرات جمعیتی جهان توسعه یافته با ظهور تحولات ارزشی و فرهنگی تازه‌ای که نیروی خود را عمدتاً از طریق الگوهای نوین خانواده اعمال می‌کنند، اشاره دارد. در واقع آنچه که متمایزکننده گذار دوم جمعیتی از گذار اول جمعیتی پنداشته می‌شود، دل مشغولی فراگیر و گسترده به حقوق خود تحقق‌بخشی<sup>۲</sup> آزادی انتخاب فرد، توسعه شخصیت و شیوه‌های زندگی است که در تشکیل خانواده، نگرش نسبت به تحدید موالید و انگیزه‌های پدر و مادر شدن بازتاب یافته است. این تئوری تغییرات بنیادی در ارزش‌ها و نگرش‌ها و گسترش ایده‌های پست ماتریالیستی (یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق‌بخشی) را راه حل اساسی تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند (عسکری ندوشن، ۱۳۸۸: ۴۰). اولین علامت SDT از دهه ۱۹۵۰ ظاهر شد، نرخ طلاق بویژه در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی افزایش یافت و این ایده که «طلاق خوب بهتر از ازدواج بد است» مطرح شد و بعد از آن در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ زاد و ولد کاهش یافت و بعد از جنگ جهانی دوم بحث‌های ایجاد سد ایمنی برای بارداری<sup>۳</sup> مطرح شد و سن اولین ازدواج بالا رفت و تعداد افراد مجرد رو به افزایش نهاد و هم بالینی‌های خارج از ازدواج به دنبال آن گسترش یافت (کولتر، ۲۰۱۰: ۳).

در این نظریه، توجه به ارزش‌های خود تحقق‌بخشی اساس تغییرات در خانواده به شمار

- 1 . Second demographic transition
- 2 . Self – fulfillment
- 3 . Baby boom

می‌رود و سکولاریسم، ارزش‌های خود شکوفایی، شک نمودن نسبت به نهادها و عدم اجازه افراد بیرونی به دخالت در امور شخصی از جنبه‌های تغییرات ارزشی محسوب می‌شود که سبب آزادی یافتن افراد در تصمیم‌گیری‌های شخصی‌شان در زندگی‌شان شده است. (رزینا<sup>۱</sup> و فرابونی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: از نظر بک در فرایند فردی شدن، عوامل انسانی، هر دوره از تعینات و فشارهای ساختاری رها می‌شوند و در نتیجه فرصت می‌یابند هویت شخصی خود را بازتولید کنند. در عصر ما قبل مدرن افراد و سرنوشت آنها تحت عوامل خارج از آنها، مانند محیط زندگی، خانواده، طبقه و جنسیت تعیین می‌شد، اما با گسترش فرآیند مدرنیزاسیون و رشد نهادهای اجتماعی شدن جدید مانند آموزش و پرورش، نهادهای تربیتی - درمانی فرد تا حد زیادی از تسلط عوامل پیشین خارج شده است و خود را در کانون عوامل پیشرفت می‌داند. فضاهاى جدید، مروج آزادی، رقابت، عقلانیت، پیشرفت، خوداتکایی، کارآفرینی برای افراد است. همین عوامل بر دامنه فرآیند فردی شدن می‌افزاید و بیش از پیش زندگی را انتخابی و توأم با برنامه‌ریزی‌های شخصی می‌کند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۴۶). در واقع با ظهور زندگی شخصی، دیگر هویت فرد را نمی‌توان به سادگی به جایگاه او در تقسیم اجتماعی کار مرتبط دانست. (زارتسکی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

### ۳-۴- نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت

اینگلهارت معتقد است وقتی جامعه‌ای صنعتی می‌شود، در این مسیر نمی‌تواند از تحولات ارزشی و فرهنگی در امان بماند. دگرگونی‌هایی مثل تحول خانواده، کاهش زاد و ولد و بالا رفتن امید به زندگی، افزایش مشارکت سیاسی و تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم‌اهمیت شدن و تضعیف ارزش‌های سنتی.

از نظر او موجد تحولات ارزشی، تغییرات و دگرگونی‌های وسیع و گسترده در محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فنی جامعه است اما تحولات فرهنگی ذاتاً از دگرگونی‌های محیطی که ایجادکننده آن هستند، دیرتر صورت می‌گیرد و عقب می‌ماند (اینگلهارت، ۱۳۷۳). از نظر اینگلهارت صنعتی شدن و مدرنیزه شدن دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی به حساب می‌آیند. در دیدگاه او مفهوم اصلی مدرنیزاسیون این است که صنعتی شدن، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی‌ای را به دنبال دارد. انتقال از جامعه ماقبل صنعتی به جامعه صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه‌های آنها

می‌شود و ایجاد جامعه فراصنعتی، محرک پیدایش دیدگاه‌های جهانی و تأکید بر خرد ابزاری و تضعیف ارزش‌های سنتی می‌شود. در واقع اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند.

از نظر اینگلهارت اثر توسعه اجتماعی - اقتصادی بر تغییر فرهنگی، روندی دو مرحله‌ای را طی می‌کند. صنعتی شدن، نخستین فرایند عمده تغییر فرهنگی را رشد می‌دهد و بوروکراتیک شدن و سکولاریسم را به همراه می‌آورد. ظهور جامعه فراصنعتی فرایند عمده دوم تغییر فرهنگی را شکل می‌دهد: به جای عقلانیت، تمرکزگرایی و بوروکراتیک شدن، روند جدید در جهت افزایش تأکید بر استقلال فردی و ارزش‌های ابراز وجود است. هر دو مرحله تغییر فرهنگی (صنعتی شدن و فراصنعتی شدن)، نگرش‌های اقتداری مردم را البته به شیوه‌های متفاوتی مجدداً شکل می‌دهند.

مرحله صنعتی مدرنیسم، سکولار شدن اقتدار را موجب می‌شود، در حالی که مرحله فراصنعتی، رهایی بخشی از اقتدار را به همراه دارد. صنعتی شدن جوامع بر شبیه‌سازی برون‌داد مادی به عنوان بهترین شیوه حداکثر کردن رفاه انسانی متمرکز است. این استراتژی بطور اساسی در کاهش گرسنگی و افزایش امید به زندگی موفق بود، اما در جوامع فراصنعتی نتایج تضعیف‌شده‌ای<sup>۱</sup> را ایجاد کرد. مدرنیسم فراصنعتی نوعی دگرگونی بنیادی در استراتژی‌های اقتصادی از پیشینه ساختن استانداردهای مادی زندگی به پیشینه ساختن رفاه به وسیله تغییرات سبک زندگی را به همراه آورده است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۵۳).

از نظر اینگلهارت و ولزل در هر جامعه‌ای با افزایش سطح تحصیلات، جهان‌بینی‌های دینی سنتی بطور اجتناب‌ناپذیری در مقابل جهان‌بینی‌های عقلانی - سکولار تضعیف شده و رو به افول می‌گذارند (۱۳۸۹: ۶۷). [در این صورت] گزاره‌های دینی هیچ نقشی در کشف حقیقت و تبیین پدیده‌های جهان‌هستی نداشته، لذا نمی‌توانند به درک انسان از هستی و پدیده‌های آن کمک نموده و در نتیجه در کنترل انسان بر پدیده‌ها و به تعبیری حاکمیت وی بر جهان نیز کاملاً بی‌تأثیر می‌باشند (شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۶).

همزمان با افزایش کنترل مردم بر محیط به واسطه‌ی ظهور تکنولوژی، وجود خدا به عنوان موجودی برتر، روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود. صنعتی شدن وابستگی بر طبیعت را که تحت حاکمیت نیروهای اسرارآمیز با ارواح انسان‌نما ملاحظه می‌شد، کمتر می‌کند. زندگی امروزه «بازی علیه طبیعت ساختگی» است. جوامع سنتی افراد را در گروه‌های متحد اجتماعی نموده و از طریق پیوندهای الزام‌آوری که آنها را به مشارکت برای بقا جذب می‌کرد، یکپارچگی اجتماع را حفظ می‌کردند. این

هنجارها، خشونت درون گروهی را محدود کرده، مردم را به انضباط، سلسله مراتب و سرکوب آرزوها برای تحرک اجتماعی وادار می‌کردند. یک شیوه حل خشونت درونی، تشویق فقرا به پذیرش موقعیت خدادادی آنها بود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۵۴). به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه رفیع خانواده چه در کشورهای غربی و چه در کشورهای غیرغربی متأثر از فرهنگ غربی و سکولاریسم بوده است. در واقع تحکیم باورهای دینی در خانواده تأثیر مهمی در تقویت خانواده و ایفای کارکردهای آن دارد. بحران هویت فرد و خانواده‌ها و گم کردن جهت و معنای زندگی، افراد را دچار آشفتگی می‌کند و در مشکلات زندگی فردی و خانوادگی آنان را به استیصال می‌کشاند.

به اعتقاد اینگلهارت و ولزل، عصر فراصنعتی محدودیت‌های عینی بر انتخاب انسانی را به سه شیوه مهم کاهش می‌دهد. نخست، جوامع فراصنعتی بطور بی‌سابقه‌ای سطوح بالایی از خوشبختی را بدست آورده‌اند و دولت رفاه‌هایی دارند که غذا، لباس، سرپناه، خانه، خدمات آموزشی و بهداشتی را برای همگان فراهم می‌کنند. دوم، تحصیلات، مردم را از لحاظ عقلانی بسیار مستقل‌تر می‌سازد، زیرا آنها دیگر به تفاسیر سایرین از جهان وابسته نیستند. علاوه بر این، تکامل رسانه‌های جمعی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی مدرن امکان دسترسی آسان افراد به دانش را فراهم آورده و از این طریق استقلال اطلاعاتی‌شان را افزایش می‌دهد. سوم، جامعه فراصنعتی به لحاظ اجتماعی اثر آزادکننده‌ای دارد. سازمان انعطاف‌پذیر اقتصاد خدماتی و استقلالی که به کارگران می‌دهد در تمام جنبه‌های زندگی نمود می‌یابد. کش متقابل انسانی بطور فزاینده‌ای از محدودیت‌های پیوندهای گروه‌های یکپارچه رها شده و مردم را به ایجاد یا حذف پیوندهای اجتماعی قادر می‌سازد و دولت رفاه از این روند فردگرایانه حمایت می‌کند.

در گذشته بقاء کودکان عمدتاً بر مراقبت والدین از آنها مبتنی بوده و در مقابل نیز کودکان در سنین پیری والدین، از آنها مراقبت می‌کردند. اگرچه نقش خانواده هنوز هم مهم است، اما دولت رفاه ماهیت وجود یا عدم وجود این روابط را تضعیف نموده است. امروزه حمایت از روابط خانوادگی انتخابی است نه ایجابی. در شرایط معاصر خانواده تک والد و افراد مسن بی‌فرزند نسبت به آنچه که قبلاً وجود داشت، خودکفایی بیشتری دارند. آنچه را که زمانی دورکیم، تونیس و زیمبل پیش‌بینی می‌کردند بیش از پیش واقعیت یافته است. دگرگونی در روند اجتماعی شدن از «پیوندهای ضروری» به «پیوندهای انتخابی». این امر افراد را به لحاظ شخصی بسیار مستقل‌تر ساخته و محدودیت‌های اجتماعی بر انتخاب انسانی را کاهش می‌دهد. فراصنعتی شدن حتی شرایط وجودی مناسب‌تری نسبت به صنعتی شدن فراهم می‌آورد؛ زیرا مردم را بیش از دوره صنعتی به لحاظ اقتصادی ایمن‌تر، به

لحاظ عقلانی خودمختارتر و به لحاظ اجتماعی مستقل تر می‌سازد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۶).

اینگلهارت جابجایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را بطور بالقوه فرایندی جهانی می‌داند. یعنی در هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، باید این فرایند روی دهد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۸۷: ۸۵). او در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی کننده می‌پردازد که عبارتند از ۱. فرضیه کمیابی<sup>۱</sup> که بنابر آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی است.

۲. فرضیه اجتماعی شدن<sup>۲</sup>: که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است. به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های رونق با افزایش فرامادی‌گرایی مشخص می‌شود و دوره‌های کمیابی به مادی‌گرایی می‌انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت به وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (همان: ۶۲).

به نظر اینگلهارت یکی از مؤلفه‌های مهم دگرگونی ارزشی جایگزینی نسلی است. اینگلهارت برای چرخه زندگی، تأثیر چندانی قائل نیست و تفاوت‌های پایدار بین گروه‌های سنی را بازتاب دگرگونی نسلی می‌داند و نظریه دگرگونی ارزشی که دلالت بر جابجایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی دارد را به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قائل نیست.

جوانان به مراتب بیشتر از بزرگترها بر خواسته‌های فرامادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسلها تا دگرگونی حاصل شده در جامعه برمبنای انعکاس سالخوردگی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۵). از نظر او فرامادیون کسانی هستند که پیش از دوران بلوغشان، دارای امنیت اقتصادی بوده‌اند و دارای نیازهایی مثل خودشکوفایی و عشق هستند. ولی مادی‌گرایان به دلیل عدم امنیت اقتصادی در دوران بلوغ، دارای ترجیحات مادی‌گرایانه هستند (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱).

همین امر منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش‌های آنها نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا سقط جنین، طلاق و ... متفاوت است.

1. Scarcity hypothesis
2. Socialization hypothesis

می‌توان اظهار داشت، مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۲۲-۲۲۰).

### ۳-۵- نظریه بازاندیشانه گیدنز

از نظر گیدنز، عصر نوین، عصر سنت‌زدایی است که معادل پایان طبیعت یا پایان تسلط طبیعت و سنت به عنوان عوامل خارجی بر انسان است. پایان سنت به این معنا است که سنت بسیار کمتر از گذشته زندگی ما را تغییر می‌دهد.

او معتقد است اکنون با تعمیم مدرنیته و تأثیر رسانه‌های گروهی و ارتباطات در سراسر جهان، تقریباً غیرممکن است تا سنت را به روش سنتی و مانند آن گونه که در گذشته دوام آورده است، تجربه کنیم (گیدنز، ۱۳۸۷، ۵۸ و ۷۷) سنت‌زدایی به معنای آزادی فرد و افزایش قدرت انتخاب اوست.

اگر با دید جهانی به قضیه نگریسته شود می‌توان ادعا کرد، مسیر زندگی هر فرد با جهانی‌شدن تا حدودی تغییر کرده است که شاید مهمترین آن، تغییر در شیوه و سبک زندگی باشد.

درواقع جهانی‌شدن بر تغییرات فرهنگی جوامع مختلف اثرات چشمگیری داشته است و سبک‌های مختلف زندگی‌ای بویژه برای مردم در کشورهای در حال توسعه به ارمغان آورده است. در واقع در عصر جهانی‌شدن فقط اطلاعات نیستند که سریع جابجا می‌شوند، بلکه سبک‌های زندگی خاصی نیز به عنوان سبک‌های زندگی برتر اشاعه می‌یابند، بطوریکه نوع بومی و سنتی آن تغییر یافته و متحول می‌شود. در این راستا نقش رسانه‌ها بسیار مهم است.

گامز<sup>۱</sup> معتقد است: دسترسی فزاینده به رسانه‌ها باعث مکانیزم‌هایی می‌شوند که فراتر از محدوده‌های محلی عمل می‌کنند. توسعه اجتماعی و اقتصادی که با سطوح بالاتر تحصیلی و فرصت‌های شغلی بیشتر همراه است، باعث خودمختاری، آزادی و استقلال بیشتر نسل‌های جدید در حوزه انتخاب همسر، ازدواج و تشکیل خانواده شده‌اند (گامز، ۲۰۰۶: ۲).

از نظر گیدنز نیز نقش رسانه‌ها در فرایند جهانی‌شدن بسیار مؤثر بوده است و آن را ابزار بسط و گسترش مدرنیته به تمام دنیا می‌داند که توانسته است با تسهیل و سرعت‌بخشی ارتباطات فردی و گروهی، فضای جهانی را متحول کند و از مرزهای زمانی و مکانی بگذرد.

ولی با انهدام این مرزهای زمانی و مکانی، هویت شخصی افراد با چالش‌های فراوانی روبرو

شده است.

هویت شخصی با فاصله گرفتن از چارچوب‌های تنگ اجتماعی و سنتی، دنباله رو عناصر مدرن در عرصه‌ی جهانی شده‌اند و این خود می‌تواند معضلات زیادی را به همراه بیاورد. در این راستا از بی‌اختیاری<sup>۱</sup> سخن می‌گویند که در عصر جهانی شدن در بعضی جنبه‌های زندگی جانشین سنت شده است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶).

از نظر او این روابط اجتماعی تشدید شده (جهانی شدن) (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۷) موقعیت‌های مکانی بسیار دور را به یکدیگر پیوسته است، در این توصیف، او در مورد مقوله‌ی زمان و مکان سخن به میان آورده است.

وی خودمختاری نسبی زندگی اجتماعی محلی و خاصیت بازاندیشی را که از نظریه کلی او در زمینه ساختاربندی نشأت گرفته است را مورد عنایت قرار می‌دهد.

در زمان‌های ماقبل مدرن زمان و مکان در رابطه ناگسستگی با یکدیگر بودند ولی مدرنیزاسیون به گونه‌ی فزاینده‌ای زمان و مکان را از یکدیگر جدا کرد.

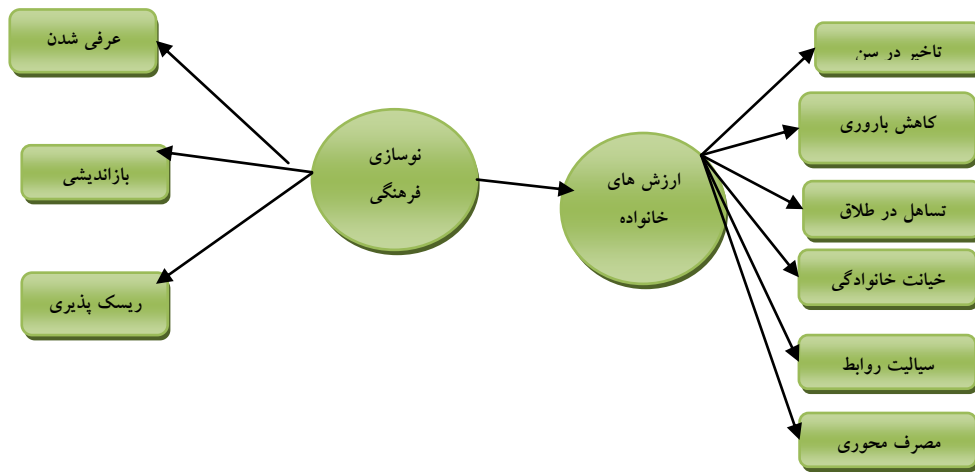
«جدایی زمان و فضا یعنی امکان جا انداختن روابط اجتماعی محلی یا وضعیتی در گستره‌های پهناوری از زمان و فضا تا حد ایجاد نظام‌های یکپارچه جهانی» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۱).

در نظریه وی از جاکندگی روابط اجتماعی، مفهوم مهمی است که به عنوان منبع دیگری در پویایی مدرنیته در نظر گرفته می‌شود. او از جاکندگی را به معنای بیرون کشیدن روابط اجتماعی از بافت‌های محلی و جا انداختن مجدد آن در تکه‌های نامعینی از زمان - فضا می‌داند (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۶۷).

این از جاکندگی خودش به فاصله‌گذاری زمانی و مکانی در عصر مدرن شتاب می‌دهد و کنشهای متقابل را از ویژگی‌های محلی و موقعیتی جدا می‌کند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

او در تعریف مفهوم بازاندیشی در نظریه خود معتقد است، تغییر شکل زمان و فضا در ترکیب با روش‌های از جاکندگی، زندگی اجتماعی را از حیطه نفوذ احکام یا تکالیف از پیش تعیین شده دور می‌کند و «بازاندیشی را به معنای حساسیت و تأثیرپذیری حوزه‌های فعالیت اجتماعی و همچنین تجدیدنظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها براساس اطلاعات یا دانش‌های نوین می‌داند» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۰).

## ۴- مدل نظری پژوهش



## ۵- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین نوسازی فرهنگی و ارزش های خانواده در شهر نهاوند رابطه وجود دارد.
- ۱-۱- بین کمرنگ شدن باورهای مذهبی (عرفی شدن) و ارزش های خانواده در شهر نهاوند رابطه وجود دارد.
- ۱-۲- بین بازاندیشی و ارزش های خانواده در شهر نهاوند رابطه وجود دارد.
- ۱-۳- بین ریسک پذیری و ارزش های خانواده در شهر نهاوند رابطه وجود دارد.

## ۶- روش تحقیق

از لحاظ هدف، تحقیق از نوع کاربردی، از لحاظ شیوه ی تجزیه و تحلیل داده ها توصیفی و همبستگی می باشد و هدف آن شناخت و توصیف وضعیت موجود ارزش های خانواده (متغیر وابسته) در جامعه آماری مورد مطالعه و تعیین رابطه آن با ویژگی های اجتماعی - فردی و مؤلفه های نوسازی فرهنگی (متغیر مستقل) می باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده ها از دو روش اسنادی (کتابخانه ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین جامع چارچوب نظری تحقیق، مطالعات انجام گرفته ی قبلی و نظریه های جامعه شناسی در



تحلیل ارزش های خانواده بررسی شده است و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه های مرتبط با موضوع از یک طرف و شناخت وضعیت فعلی جامعه، تدوین شاخص ها و متغیرهای تحقیق انجام گرفته است.

## ۷- تعریف نظری و عملی مفاهیم و چگونگی اندازه گیری متغیرها

### ۱-۷- نوسازی فرهنگی

**الف) تعریف مفهومی:** نوسازی فرهنگی به فرایند گسترش یافتن دامنه دانش انسان درباره محیطش و پراکندگی این دانش در سراسر جامعه از رهگذر افزایش روزافزون سواد، ارتباطات توده گیر و آموزش دلالت دارد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۱).

**ب) تعریف عملیاتی:** در این تحقیق، نوسازی فرهنگی بر اساس سه مولفه: ۱) باورهای مذهبی (۲) بازانديشي (۳) ريسک پذيري يا فرهنگ خطر، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

### ۲-۷- باورهای مذهبی

**الف) تعریف مفهومی:** «عرفی شدن یا سکولاریزاسیون در عامترین معنا، فرآیندی است که پیامد تجددگرایی است و طی این فرآیند؛ نقش و اهمیت دین در «اجتماع» و نزد «فرد» افول می کند و «دین» را نیز دستخوش تجدیدنظرهاي معرفتی - ارزشی می سازد.» (شجاعی زند: ۱۳۸۹: ۳۹) پیتر برگر بر این باور است که تجددگرایی منجر به کمرنگ شدن باورهای مذهبی در انسان می شود.

**ب) تعریف عملیاتی:** برای سنجش این مفهوم از مقیاس اینگلههارت و مقیاس ساخته شده ی محقق بهره گرفته شده و برای اندازه گیری آن با ورود تجددگرایی به خانواده ها و پیامدهایش از شاخص هایی مانند میزان مقیدبودن مردم به نمازخواندن، انجام مناسک مذهبی، روزه گرفتن، میزان تقلید از مراجع، معتقد به عقلی بودن امور یا تقدیرگرایی، میزان توکل به خداوند در امور اجتماعی، میزان مذهبی بودن مردم، میزان کمک خواستن از خداوند، میزان احساسی نزدیکی به خداوند و ائمه اطهار، میزان اعتقاد به «محاسبه اعمال خوب و بد انسان در آخرت»، میزان شرکت در نماز جمعه و جماعت، میزان رفتن به مسجد و... استفاده کردیم شاخص هایی از این قبیل از طریق طیف لیکرات و با گویه سازی و امتیازبندی آن، میزان عرفی شدن و کم رنگ شدن باورهای مذهبی ناشی از تجددگرایی و تأثیر آن بر تحولات و تغییرات خانواده سنچیده می شود.

### ۳-۷- بازانديشي

**الف) تعریف مفهومی:** بازانديشي از نظر گیدنز عبارت است از: «فرآیند تعریف و بازتعریف

خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان‌شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی، بازاندیشی زندگی مدرن بدین معناست که «اعمال و عادات اجتماعی» دائماً آزموده می‌شوند و در پرتو اطلاعاتی که درباره‌ی این روال‌های اجتماعی به دست می‌آیند، اصلاح می‌گردند و اصولاً پیوسته تغییر می‌کنند» (گیدنز، ۱۹۹۰: ۳۸). این الزام برای خوانش نشانه‌های فرهنگی با کمی پیچیدگی و با ترکیبی از اضطراب و اطمینان، شاخص عصر ماست و در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی،... دیده می‌شود. وجود «نظام‌های بازاندیشانه‌ی تخصصی» در زندگی روزمره ما نیز یکی از ویژگی‌های اصلی جهان مدرن است. گیدنز بر این باور است که در جهان مدرن؛ سنت‌ها بازاندیشی می‌شوند. به عبارت دیگر آن عناصری از زندگی انسان مدرن که سنتی به نظر می‌آیند هم بازاندیشی شده و از این صافی رد شده‌اند.

**ب) تعریف عملیاتی:** برای عملیاتی کردن این متغیر با توجه به نظریات گیدنز و یک، گویه-هایی در مورد آزادی افراد در تغییر ظاهر خود، نگرش افراد به تعیین سرنوشت فرد به دست خود، گویه‌هایی در مورد تجربه‌ی شخص و همچنین گویه‌هایی در مورد کم‌اهمیت دادن به سنت در کنش‌های روزمره فرد طراحی شد. برای این بُعد پنج گویه طراحی شد که در قالب طیف لیکرت نمره گذاری شد.

#### ۴-۷- ریسک‌پذیری (فرهنگ خطر)

**الف) تعریف مفهومی:** یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجدد است که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده درمی‌آید. (گیدنز: ۱۳۷۸: ۳۲۵). به گفته گیدنز، قرار گرفتن در زندگی مدرن، قرار گرفتن در ریسک است و بودن در زندگی سنتی، بودن اعتماد در روابط اجتماعی انسان‌هاست. او می‌افزاید: انسان مدرن در معرض ریسک‌هایی قرار دارد که جامعه و نهادهای اجتماعی آنها را تولید می‌کنند. به عبارت دیگر انسان مدرن با مخاطرات مصنوعی دست‌ساخته‌ی خود مواجه است. گیدنز در اینجا از واژه «جامعه‌ی بیم‌زده» ال‌ریش بک نیز استفاده می‌کند. از نگاه گیدنز، انسان مدرن همواره در معرض انواع «شوک‌های فرهنگی» قرار دارد و زندگی خانوادگی هم در معرض این گونه شوک‌هاست.

**ب) تعریف عملیاتی:** در این تحقیق برای سنجش میزان ریسک‌پذیری در بین خانواده‌ها از گویه‌هایی استفاده شده که طی آن از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت خود با این گویه-ها را در قالب طیفی از کاملاً موافقم (با کد ۱) تا کاملاً مخالفم (با کد ۵) نشان دهند جمع این گویه‌ها،

دلالت بر نمره شاخص ریسک پذیری در بین خانواده ها دارد.

جدول (۱-۱) تعاریف عملیاتی مفاهیم و نحوه چگونگی اندازه گیری متغیرها

مولفه	ابعاد	نظریه پرداز	گویه ها
نوسازی (مدیران اسیران) فرهنگی	باورهای مذهبی	اینگلهارت و برگر	میزان مقید بودن مردم به نماز خواندن
			انجام مناسک مذهبی
			روزه گرفتن
			میزان تقلید از مراجع
			معتقد به تقدیرگرایی
			میزان توکل به خداوند در امور اجتماعی
			میزان کمک خواستن از خداوند
			میزان شرکت در نماز جمعه و جماعت
			میزان رفتن به مسجد
	بازاندیشی	گیدنز و اریش بک	انتخاب‌های امروزم بانوجه به تحولات آینده است.
			کم اهمیت دادن به سنت در کنش های روزمره
			من این آزادی را دارم که بدن خود را با اعمال جراحی به شکل دلخواه درآورم.
			من می‌توانم از پیشرفت‌های پزشکی برای تغییر ظاهر خود استفاده کنم.
			با توجه به اطلاعاتی که از اینترنت می‌گیرم عملکردهایم را تنظیم می‌کنم.
			پذیرش خطر در انجام امور خانوادگی باعث افزایش بیماری های عصبی شده است.
ریسک پذیری (فرهنگ خطر)	گیدنز و بک	مخاطره پذیری زندگی باعث فردگرایی در زندگی خانوادگی شده است	
		شیوه زندگی، افسرد را وادار کرده است که از ریسک کردن در مورد چیزهای نو بپرهیزند	

## ۸- تحولات ارزشی خانواده

**الف) تعریف مفهومی:** ارزش های خانوادگی مفهومی است که رسالت تداوم خانواده و به تبع آن تداوم نسل‌ها را در خود دارد و هم اوست که کیفیت و کمیت نسل فردا را رقم می‌زند. کولین در مقاله خود در سال ۱۹۹۴ ارزش‌های خانوادگی را چنین تعریف می‌کند: کیفیت‌هایی که هسته خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کند.

**ب) تعریف عملیاتی:** دراین تحقیق، تحولات ارزشی خانواده بر اساس شش بعد: (۱) تاخیر در سن ازدواج ۲- افزایش طلاق ۳- کاهش باروری ۴- سیالیت روابط ۵- عدم وفاداری به همسر ۶-

مصرف محوری، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

جدول (۱-۲) تعاریف عملیاتی مفاهیم و نحوه چگونگی اندازه‌گیری متغیرها

مفهوم	ابعاد	گویه‌ها
تأخیر در سن ازدواج		دختر باید هرچه زودتر به خانه بخت برود
		نگرش والدین اینست که تا زنده ایم دخترمان سروسامان بگیرد
		آرزوی هر پدر و مادری اول ازدواج فرزند دخترش است
		مادر شدن برای هر دختری یک منزلت اجتماعی به شمار می‌آید
		ازدواج یعنی رهاشدن والدین از مسئولیت مواظبت دخترانشان
		ازبچگی این نگرش در ما شکل گرفته که زود ازدواج کردن بهتر است
		انتظار جامعه از دختران اینست که در سن پایین ازدواج کنند
		چون گزینه جنسی را نمی‌توان سرکوب کرد پس باید در سن پایین ازدواج کرد
		ازدواج زود هنگام باعث حفظ آبروی خانواده می‌شود
		حاضر مطلق بگیرم، اگر شده از مهریه یا حقوق و دارایی ام بگذرم
تمایل به طلاق		علیرغم وجود نیازهای عاطفی و احساسی تنهایی بعد از طلاق، حاضر مطلق بگیرم
		با وجود مشکلات و ناامنی‌هایی که در جامعه برای مطلقه‌ها وجود دارد حاضر مطلق بگیرم
		در تصمیم طلاق، توجه به آینده فرزند بیشتر از خواسته و توقعات زوجین نیست
		طلاق گرفتن راهی برای پایان دادن به اختلافات خانوادگی است
کاهش باروری		چند ماه بعد از ازدواج، اولین بچه خود را به دنیا آوردید
		به نظر شما یک خانواده چه تعداد بچه داشته باشد خوب است
		آیا شما و همسرتان از روش‌های پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنید
		داشتن فرزند زیاد موجب امنیت و قدرت بیشتر خانواده می‌شود
		امروز خانواده‌ها و به ویژه نسل جدید، باید تعداد فرزند کم‌تری به دنیا بیاورند
		فرزند پسر را به فرزند دختر ترجیح می‌دهم
سیالیت روابط		خانواده دیگر مکان آرامش و آسایش افراد نیست.
		پیوند و استحکام‌هایی که قبلاً با خانواده‌ام داشتم، کم‌رنگ‌تر شدند.
		به ازدواج‌های دائم اعتقاد ندارم.
		مایلم در ارتباطاتم همیشه دوستان خود را عوض کنم، چون آنها برایم تکراری می‌شود
		دوستی زودگذر با جنس مخالف را بر ازدواج ترجیح می‌دهم.
عدم وفاداری به همسر		روابطم با خویشاوندان و آشنایان سرد و خشک است.
		برخی معتقدند اشکالی ندارد که آدم با غیر همسر خود دوست باشد
		اگر رابطه عشقی مرد با زن دیگر یا زن با مرد دیگر باشد، مهم نیست
		فکر می‌کنم وفاداری نسبت به همسر بی‌معنی است
مصرف محوری		پنهان کردن برخی موضوعات از همسرم لازم است
		در خرید هر وسیله‌ی برند و مارک معتبر برایم مهم است.
		من از خرج کردن پول لذت می‌برم.
		وقتی چیزی را دوست می‌دارم، ولی توانایی خرید آن را ندارم، در خودم احساس ناراحتی شدید می‌کنم
		علاقه‌مندم که هر روز یک نوع لباس بپوشم.

### ۹- اعتبار و روایی ابزار اندازه گیری

در این پژوهش به جهت برآورد اعتبار سؤالات پرسشنامه، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش، از طریق مراجعه به داوران می‌باشد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر پژوهشگران از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص گنجانده شده در سؤالات پرسشنامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند. همچنین برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۶۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه تنظیم شده را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسشنامه‌های مذکور کدگذاری و در نرم افزار SPSS وارد شدند و پایایی آنها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردیده و بر این اساس نتایج به دست آمده در غالب موارد بیش از ۷۰ درصد بود که نشان‌دهنده پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه می‌باشد (جدول شماره ۱) برای روایی سازه‌ها نیز با استفاده از نرم افزار *lisler* عاملی انجام گرفت و سپس با اطمینان از اعتبار آن به تحلیل داده‌ها اقدام گردید. داده‌ها با نرم افزار *spss* در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفته است همچنین برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

جدول (۱-۳) ضریب آلفای کرونباخ

ضریب آلفای کرونباخ		تعداد گویه‌ها	متغیرهای پنهان	
			مقیاس	خرده مقیاس
مقیاس	مقیاس خرده مقیاس		خرده مقیاس	مقیاس
۰/۸۷	۰/۹۱	۹	کمرنگ شدن باورهای مذهبی	نوسازی فرهنگی
	۰/۸۷	۵	بازاندیشی	
	۰/۷۵	۳	ریسک پذیری	
۰/۸۵	۰/۸۵	۹	تاخیر در سن ازدواج	تحولات ارزشی خانواده تحولات خانواده
	۰/۸۲	۶	کاهش باروری	
	۰/۸۵	۵	تمایل به طلاق	
	۰/۷۵	۴	عدم وفاداری به همسر	
	۰/۷۷	۶	سیالیت روابط	
	۰/۷۲	۴	مصرف محوری	

### ۱۰- جامعه و نمونه آماری و استراتژی نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان بالای ۱۸ سال شهر نهاوند می‌باشد مجموع این افراد در حدود نفر برآورد شده است. (نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). نمونه‌گیری این پژوهش در چند مرحله انجام گرفته است، ابتدا شهرستان نهاوند بر اساس ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی و اقتصادی به چند طبقه تقسیم شده است، سپس متناسب با جمعیت هر طبقه، تعداد نمونه‌های طبقه‌ها انتخاب گردیده و در نهایت در هر کدام از طبقات با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در نهایت نمونه‌گیری تصادفی ساده به تکمیل پرسشنامه مبادرت گردیده است. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. نمونه آماری در این پژوهش شامل ۳۸۳ نفر است که برای اطمینان بیشتر به ۳۹۰ افزایش پیدا کرده است. روش تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به صورت زیر بوده است:

$$n = \frac{nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

که در آن حد مطلوب اطمینان در این پژوهش ۰/۹۵ در نظر گرفته شده در نتیجه سطح احتمال مورد نظر (d) برابر با ۰/۰۵ و اندازه متغیر در توزیع طبیعی یا ضریب اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ است. برای تعیین واریانس، می‌توان از پیش‌برآورد استفاده کرد. بزرگ‌ترین نمونه لازم برای پاسخ‌گویی به سؤالات یک تحقیق وقتی بدست می‌آید که احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه (p) برابر ۰/۵ باشد. در این صورت، اشتباه استاندارد کمترین مقدار را به خود می‌گیرد (سرای، ۱۳۸۴: ۱۲۴). همچنین، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جامعه آماری (N) افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان نهاوند برابر با ۱۲۷۱۴۹ است.

### ۱۱- روش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه‌های اصلی تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری آزمون شده‌اند. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از این تکنیک به محقق یاری می‌رساند تا با متغیرهای اصلی درگیر در فرضیه به عنوان متغیرهای پنهان برخورد کرده و خطاهای اندازه‌گیری را دربرآورد پارامترهای مرتبط با آزمون فرضیه دخالت دهد. به منظور انجام محاسبات از نسخه ۲۲ دو نرم افزار spss و lisler استفاده شده است.

## ۱۲- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

## ۱۲-۱- نوسازی فرهنگی

نوسازی فرهنگی بر اساس سه مؤلفه: (۱) باورهای مذهبی (۲) بازانديشي (۳) ريسک پذيري يا فرهنگ خطر، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۱-۴)- آماره‌های توصیفی مرتبط با نوسازی فرهنگی

N تعداد	دامنه تغییرات Rang	مینیمم Minimum	ماکسیمم Maximum	انحراف معیار Deviation Std.	میانگین Mean	متغیرها
۳۹۰	۲/۲۵	۲/۵۰	۴/۷۵	٪۵۷۷	۳۰۲	کمرنگ شدن باورهای مذهبی
۳۹۰	۲/۶۷	۲/۳۳	۵	٪۷۲۰	۳۳۲	بازانديشي
۳۹۰	۲/۶۷	۲/۳۳	۵	٪۵۱۱	۳۳۸	ريسک پذيري
۳۹۰	۲/۵۰	۲/۵۰	۵	۰/۷۶۳	۳/۲۵	نوسازی فرهنگی

همانطور که در این جدول دیده می‌شود، میانگین همه عوامل بالاتراز ۳ می‌باشد و بعد ريسک پذيري بيشترين میانگین را (۳۳۸) داراست و کمرنگ شدن باورهای مذهبی با مقدار ۳۰۲ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد. و در کل میانگین فرآیند نوسازی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۳۰۲ بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که خانواده‌ها باورهای مذهبی خود را دارند و این باور در اندیشه و مناسک عملی آنان هویدا می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که کمترین تأثیر از نوسازی و تجددگرایی را باورهای مذهبی داشته است بنابراین برخلاف آنچه که در جامعه قیل و قال به پا است که باورهای مذهبی از بین رفته است، نتیجه بدست آمده نشان می‌دهد که مردم اگرچه نوسازی را در سبک زندگی پذیرفته‌اند، اما در صورت وجود آمدن مشکلی همین مردم متجدد به مذهب و باورهای مذهبی پناه می‌برند، میانگین بدست آمده هم نشانگر این نکته است.

## ۱۳- تحولات ارزشی خانواده

تحولات ارزشی خانواده بر اساس شش شاخص (۱) تأخیر در سن ازدواج ۲-افزایش طلاق ۳- کاهش باروری ۴- سیالیت روابط ۵-عدم وفاداری به همسر ۶- مصرف محوری، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

جدول (۱-۵) آماره‌های توصیفی مرتبط با تحولات ارزشی خانواده

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ماکسیمم	مینیمم	دامنه تغییرات	تعداد
تاخیر در سن ازدواج	۳/۹۴	٪۹۳۸	۵	۱	۴	۳۹۰
طلاق	۳/۷۳	٪۶۲۷	۵	۱	۴	۳۹۰
رفتار باروری	۳/۵۵	٪۵۷۳	۵	۱	۴	۳۹۰
سیالیت روابط	۳/۳۱	٪۹۳۷	۵	۲	۳	۳۹۰
عدم وفاداری به همسر	۳/۶۵	٪۸۷۵	۵	۱	۴	۳۹۰
مصرف محوری	۳/۵۷	٪۹۳۰	۵	۱	۴	۳۹۰
شاخص تحولات ارزشی	۳۶۳	٪۷۵۸	۵	۲	۳	۳۹۰

نتایج حاصل از جدول شماره ۱-۵ نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۳ بوده و به عبارت دیگر یعنی در حد متوسط می‌باشند. شاخص تاخیر در سن ازدواج بیشترین میانگین را (۳.۹۴) و شاخص سیالیت روابط با میانگین (۳.۳۱) کمترین میانگین را دارا است و در کل میانگین تحولات ارزشی خانواده در جامعه مورد مطالعه ۳.۶۳ بوده که این شاخص در مجموع بیانگر نگرش‌های مدرن به حوزه ارزش‌های خانوادگی در جامعه مورد مطالعه است.

#### ۱۴- یافته‌های تحلیلی

جدول (۱-۶) همبستگی پیرسون بین ابعاد، مؤلفه‌ها و مفهوم نوسازی فرهنگی و تحولات ارزشی خانواده

متغیرها	آماره	مقدار
بعد باورهای مذهبی	ضریب همبستگی	.۲۱
	سطح معناداری	.۰۰۰
بعد بازانندیشی	ضریب همبستگی	.۳۲
	سطح معناداری	.۰۰۰
بعد ریسک‌پذیری	ضریب همبستگی	.۲۸
	سطح معناداری	.۰۰۱
نوسازی فرهنگی	ضریب همبستگی	.۳۱۷
	سطح معناداری	.۰۰۰



### ۱۵- تفسیر آزمون فرضیه‌های دو متغیره

- ۱- چنانچه در جدول ملاحظه می شود بین نوسازی فرهنگی و تغییرات ارزشی خانواده رابطه وجود دارد میزان همبستگی این شاخص با تغییرات خانواده برابر با ۳۱۷٪ درصد و این همبستگی در سطح معناداری ۰۰۰ معنادار می باشد. در واقع با افزایش نوسازی فرهنگی، بر میزان تغییرات ارزشی خانواده نیز افزوده می شود و نگرش افراد مدرن تر می گردد.
- ۲- بین کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی و میزان تغییرات ارزشی خانواده در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد. که میزان این همبستگی برابر با ۲۱ درصد و این همبستگی در سطح ۰۰۰ معنادار می باشد.
- ۳- بین بازانديشی و تغییرات ارزشی خانواده در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد که این رابطه برابر با ۳۲٪ می باشد و این همبستگی در سطح ۰۰۰ معنادار می باشد.
- ۴- بین ریسک پذیری (فرهنگ خطر کردن) و تغییرات ارزشی خانواده در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد که این رابطه برابر با ۲۸٪ می باشد و این همبستگی در سطح ۰۰۱ معنادار می باشد.

### ۱۶- آزمون فرضیه چند متغیره: آزمون رگرسیون چندگانه

بر مبنای فرضیه‌ی چندمتغیره‌ی تحقیق می توان با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، به آزمون فرضیه‌ی تحقیق پرداخت. در تحلیل رگرسیون چندگانه، با استفاده از روش گام به گام (در سطح معناداری قابل قبول)، با ترسیم معادله رگرسیون استاندارد، می توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرها مستقل به اندازه ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت.

در تحلیل رگرسیون چندگانه، با ترسیم معادله‌ی مجذور رگرسیون (یا محاسبه تعامل عوامل از طریق برآورد ضریب تعیین)، می توان گفت که با تأثیر بهم پیوسته متغیرهای مستقل یا تأثیرگذار، مقدار - تغییر در متغیر وابسته قابل تبیین می باشد. به عبارت دیگر میدان علی متغیرهای مستقل یا تأثیرگذار با هم به میزان - بدست آمده، در واریانس متغیر وابسته مشارکت خواهند داشت (کرلینجر، ۱۳۷۴: ۲۳۳-۲۳۰؛ ساروخانی، ۱۳۸۶: ۴۲ و ۱۵۴) در آزمون تحلیل رگرسیون طبق روش گام به گام، بر مبنای آماره‌های تشخیص‌های هم خطی، مقادیر اِغماض اندازه‌هائی برای نشان دادن همبستگی میان متغیرهای مستقل بین صفر و یک است. هر چه میزان اِغماض یک متغیر به صفر نزدیک تر باشد، ارتباط قوی تری بین آن متغیر و سایر متغیرهای مستقل وجود دارد.

جدول شماره (۷-۱) خلاصه مدل رگرسیونی عوامل مؤثر ( $V_i/X_i$ ) بر متغیر وابسته

مدل	آر رگرسیون	مجذور آر	مجذور آر تعدیل یافت	اشتباه استاندارد	آماره‌های تغییر			آماره دوربین-واتسون
					تغییر مجذور آر	تغییر نسبت فیشر	تغییر سطح معناداری	
1	.۱۲۱	.۱۸۰	.۲۷۱	.۶۲۱۰۱	.۱۸۰	۴۲.۹۳۳	.۰۰۰	۲.۰۲۰
2	.۱۷۵	.۲۰۳	.۱۸۹	.۵۵۹۹۶	.۱۰۳	۱۷.۰۹۴	.۰۰۰	
3	.۲۳۷	.۲۴۷	.۲۲۸	.۵۳۸۳۳	.۰۴۴	۶.۶۵۶	.۰۱۲	

بدین ترتیب از فرضیه‌های مطرح شده، در تحلیل رگرسیونی چند متغیره، همه فرضیه‌ها تأیید می‌شوند و متغیرهای مستقل این فرضیه‌ها با هم حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته ما یعنی تغییرات خانواده را تبیین می‌کنند. بدیهی است که مقدار تبیین‌نشده از تغییرات خانواده در نهادند معلول عوامل دیگری می‌باشد که باید با کمک آن عوامل تبیین شوند. در هر صورت معادله رگرسیون چند متغیره حاصل از این تحلیل با روش گام به گام، با استفاده از ضریب بتا، به شکل زیر در می‌آید:

کادر شماره (۸-۱) معادله مجذور رگرسیون عوامل مؤثر ( $V_i/X_i$ ) بر متغیر وابسته (Y)

$$R^2 yx_i = \beta_1 ryx_{i1} + \beta_2 ryx_{i2} + \beta_3 ryx_{i3} \\ = (0/390)(0/321) + (0/329)(0/229) + (0/215)(0/220) = 0/247$$

طبق معادله ی مجذور رگرسیون یا محاسبه تعامل عوامل از طریق برآورد ضریب تعیین، ملاحظه می‌گردد (در تمایز بین  $R^2$  و  $\beta$ ) که بر مبنای تبیین سهم (کل و جزء) یا تأثیرگذاری متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی می‌توان گفت: با تأثیر بهم پیوسته ی میزان متغیرهای مستقل، مقدار ۲۴۷٪ تغییر در متغیر وابسته، قابل تبیین است. بنابراین از مقدار ۲۴۷٪ درصد سهم عوامل مؤثر بر تغییرات خانواده، مقدار ۱۲۵٪ درصد آن مربوط به سهم ریسک پذیری، مقدار ۰۷۵٪ مربوط به سهم بازان‌دیشی، مقدار ۰۴۷٪ مربوط به سهم کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی است.

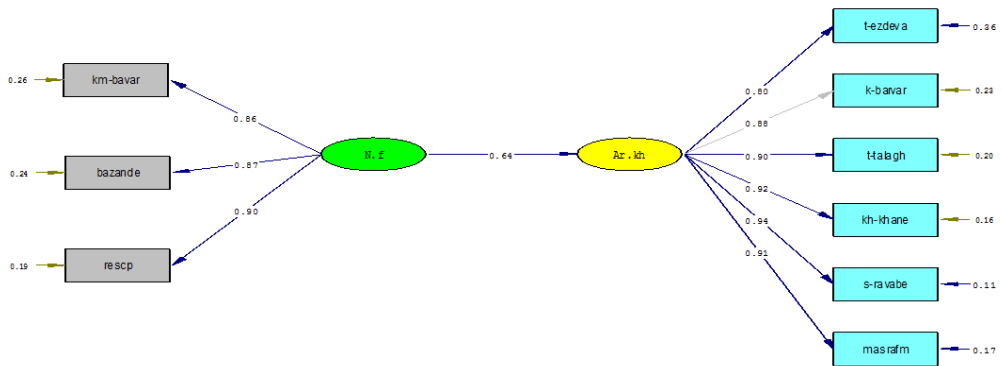
#### ۱۷- نمودار مسیر و آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

بر اساس مدل مفهومی مدل‌یابی معادلات ساختاری، ضرایب مسیر مربوط به هر یک از فرضیه‌ها و رابطه هر یک از ابعاد تشکیل‌دهنده نوسازی فرهنگی، و تحولات ارزشی خانواده مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه اصلی در خصوص رابطه بین نوسازی فرهنگی و تحولات ارزشی خانواده چنین بیان گردیده است:

برای بررسی این فرضیه ضریب مسیر مربوطه در مدل معادلات ساختاری محاسبه گردیده که ضریب استاندارد رگرسیون در لیزرل که معادل ضریب بتا در نرم افزار Spss می باشد، در زمینه رابطه بین نوسازی فرهنگی و تحولات ارزشی خانواده برابر با ۰/۶۴ است ( شکل ۱). این ضریب نشانگر رابطه بسیار قوی میان نوسازی فرهنگی و تحولات ارزشی خانواده می باشد.

### ۱۹- شاخص های برازندگی مدل معادلات ساختاری تحقیق

در خصوص مدل نهایی، شاخص های مطلق برازش ارائه شده از جمله شاخص مطلق برازندگی مدل و همچنین شاخص تعدیل یافته برازندگی مدل برابر ۰/۸۹ و ۰/۸۹ می باشد که نشانگر برازش خوب مدل نهایی تحقیق است. اما در مورد نسبت کای مربع به درجه آزادی که برازش خوبی را نسبت به شاخص های دیگر نشان می دهد باید گفت که این شاخص بستگی زیادی به حجم نمونه انتخابی دارد. شاخص دیگر در طبقه بندی مارش و همکاران شاخص های نسبی برازندگی مدل هستند و شامل شاخص نرم شده برازندگی<sup>۱</sup> و شاخص نرم نشده برازندگی<sup>۲</sup> می باشد. در صورتی که مقدار شاخص نرم شده و مقدار شاخص نرم نشده بر ازندگی بالاتر از ۰/۹۰ باشد نشانگر آن است که برازندگی مدل در مقایسه با مدل صفر مناسب است.<sup>۳</sup> این دو شاخص برای مدل نهایی تحقیق حاضر به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۹۰ می باشد.



Chi-Square=204.48, df=59, P-value=0.00000, RMSEA=0.076

شکل ۲ نمودار مسیر و ضرایب استاندارد رگرسیون رابطه میان متغیرهای مدل نهایی تحقیق

1 NFI: Normed Fit Index

2 NFI: Not Normed Fit Index

۳. برخی از پژوهشگران نقطه برش ۰/۸۰ را نیز توصیه کرده اند.

## ۲۰- بررسی ارتباط بین متغیرها

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مدل (نوسازی فرهنگی، باورهای مذهبی، بازاندیشی، ریسک‌پذیری، تحولات ارزشی خانواده) از تجزیه و تحلیل چند متغیره یا رگرسیون چند گانه استفاده شده است که در این راستا از مدل معادلات ساختاری و به طور مشخص، مدل‌های ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شده است لازم به ذکر است برای تایید یا رد فرضیه‌ها از ضرایب استاندارد<sup>۱</sup> و اعداد معناداری<sup>۲</sup> استفاده می‌شود که در زیر نویس مفهوم آن شرح داده شده است و همچنین برای کلیه مسیرها ضریب اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطا ۵ درصد می‌باشد.

## ۲۱- بحث و نتیجه گیری

تغییرات صورت گرفته در حوزه خانواده همانند بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان، یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی در دنیای مدرن است. نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی از نیروهای اصلی نهفته در پس این تغییرات است. با وجود این، با توجه به ماهیت متفاوت اجتماعات انسانی نمی‌توان انتظار داشت که تغییرات در همه جوامع به طرز یکسانی ظاهر شده باشد. بی تردید، در اجتماعات چند قومی و چند فرهنگی، مانند ایران، تاثیر نیروهای نوسازی و عوامل تغییر به طور ناهمزمان و در طول زمان خواهد بود. بنابراین، انتظار نمی‌رود که افراد در بسترهای مختلف قومی - فرهنگی به میزان یکسانی تحت تاثیر نیروهای نوسازی و عوامل اقتصادی - اجتماعی تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده قرار بگیرند. هدف از این تحقیق بررسی نوسازی فرهنگی و مکانیسم تاثیر گذاری آن بر ارزش‌های خانواده در شهرستان نهاوند است.

میانگین‌های محاسبه شده برای ابعاد سه‌گانه نوسازی فرهنگی، شامل بازاندیشی، ریسک‌پذیری و کم‌رنج شدن باورهای مذهبی نشان می‌دهد که سطح نوسازی فرهنگی در نمونه مورد مطالعه در مجموع

۱. منظور از ضریب استاندارد مقادیر همبستگی دوتایی است (بین دو متغیر) و جهت مقایسه اثرات اجزای مدل به کار می‌رود و هر چه این ضریب بیشتر باشد به معنای اثر گذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است

۲. منظور از عدد معناداری در نرم افزار لیزرل همان مفهوم SIG در نرم افزار لیزرل می‌باشد با این تفاوت که برای معنادار بودن یک ضریب، عدد معناداری آن باید بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱-۱/۹۶ باشد و درکل برای تایید یا رد فرضیات تحقیق بکار می‌رود. عدد معناداری چقدر از ۱/۹۶ بزرگتر باشد نشان دهنده آن است که متغیر مستقل اثر قوی علی قوی تری روی متغیر وابسته دارد.

بالاتر از سطح متوسط (مقدار ۳.۲۵) است. با این حال میانگین همه عوامل بالاتر از ۳ می باشد و بعد ریسک-پذیری بیشترین میانگین را (۳.۳۸) داراست (به گفته گیدنز نوسازی و تجدد احتمال خطر را در بعضی از حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی کاهش می‌دهد ولی در عین حال پارامترهای خطر آفرین و کاملاً ناشناخته‌ای را نیز به همان حوزه‌ها وارد می‌سازد. شاید به نظر آید که مردم در جامعه ایران هنوز در اندیشه سنتی هستند، ولی سبک و نوع زندگی شان نشان می‌دهد که مردم در تجملات زندگی مدرن می‌باشند و به واقع مردم سنتی می‌اندیشند و مدرن زندگی می‌کنند) و کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی با مقدار ۳.۰۲ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد. و در کل میانگین فرایند نوسازی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۳.۲۵ بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که خانواده‌ها باورهای مذهبی خود را دارند و این باور در اندیشه و مناسک عملی آنان هویدا می‌باشد، نتایج نشان می‌دهد که کمترین تأثیر از نوسازی و تجددگرایی را باورهای مذهبی داشته است بنابراین برخلاف آنچه که در جامعه قیل و قال به پا است که باورهای مذهبی از بین رفته است، نتیجه بدست آمده نشان می‌دهد که مردم اگرچه نوسازی را در سبک زندگی پذیرفته‌اند، اما در صورت وجود آمدن مشکلی همین مردم متجدد به مذهب و باورهای مذهبی پناه می‌برند، میانگین بدست آمده هم نشانگر این نکته است.

میانگین ریسک‌پذیری در مقایسه با بازاندیشی و کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی مقدار بالاتری را نشان می‌دهد. به همین ترتیب میانگین ریسک‌پذیری نیز از کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی بیشتر است. نمای توزیع برای ابعاد سه گانه نوسازی فرهنگی نشان می‌دهد که نه تنها در نمونه ی آماری، که با اطمینان ۹۵٪ در جامعه آماری نیز نوسازی فرهنگی در ابعاد بازاندیشی و ریسک‌پذیری از حد متوسط بالاتر و در بعد کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی یا عرفی شدن از حد متوسط پایین‌تر است. در نهایت میانگین نوسازی فرهنگی در مجموع با مقدار ۳.۲۵ نیز به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است. در مجموع در جامعه آماری مورد مطالعه افراد نوسازی فرهنگی خود را بالاتر از حد متوسط ارزیابی می‌کنند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که نه تنها در نمونه ی آماری که در جامعه ی آماری نیز در مجموع، ارزش‌های خانواده در حد متوسط ارزیابی می‌شود. با آزمون این فرضیه که بین نوسازی فرهنگی و تحولات ارزشی خانواده رابطه وجود دارد، نتایج به دست آمده حاکی از یک رابطه ی متوسط رو به بالا بین مولفه های ارزش های خانواده از یک سو و نوسازی فرهنگی از سوی دیگر است ضریب به دست آمده برابر با ۰.۶۴. به لحاظ آماری معنادار است و با اطمینان ۹۵٪ می‌تواند صرفاً به دلیل خطاهای ناشی از نمونه گیری تصادفی باشد. نتایج همچنین حاکی از آن است که میانگین بدست آمده برای تمامی مؤلفه‌های ارزش خانواده بالاتر از ۳ بوده و به عبارت دیگر یعنی در حد متوسط می‌باشند. شاخص تأخیر در سن ازدواج بیشترین میانگین را (۳.۹۴) و شاخص سیالیت روابط با میانگین (۳.۳۱) کمترین میانگین را دارا است و در کل میانگین

تحولات ارزشی خانواده در جامعه مورد مطالعه ۳۶۳ بوده که این شاخص در مجموع بیانگر نگرش‌های مدرن به حوزه ارزش‌های خانوادگی در جامعه مورد مطالعه است. نتایج آزمون نشان داد، بین نوسازی فرهنگی و تغییرات خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این نتیجه حاکی از آن است که دیدگاه شهروندان شهرستان نهاوند، در خصوص نوسازی فرهنگی باعث شده که نگرش‌های مدرن تری نسبت به تغییرات خانواده داشته باشند. این مؤلفه از سه شاخص تشکیل شده است که عبارتند از: عرفی‌شدن، ریسک‌پذیری و بازاندیشی، که به نوعی این سه شاخص روی تحولات خانواده اثر گذار بوده است. نتایج تحقیقات زاهدی و همکاران (۱۳۹۳)، ویلیام گود (۱۹۶۳)، عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴)، محمودیان (۱۳۸۰)، محمدپور و همکاران (۱۳۸۹)، مالهوتر و همکاران (۱۹۹۶)، اعزازی (۱۳۷۶)، کاظمی - پور (۱۳۸۳)، بهنام (۱۳۴۵)، راشد، عثمان و رودی فهیمی (۲۰۰۳) نیز در خصوص نوسازی فرهنگی، هم - راستا با نتایج این تحقیق می باشد.

### منابع

۱. زاهدی، محمد جواد، و همکاران، (۱۳۹۲)، نوسازی و فرآیند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده، "مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱، بهارص ۶۸-۹۷.
۲. محمدپور، احمد، و همکاران، (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای "مطالعه موردی: ایلات منگور و گورک، فصلنامه خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ص ۳۱۰-۳۳۱.
۳. محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف، (۱۳۸۸): سنت، نوسازی و خانواده، مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴، صص ۹۳-۷۱.
۴. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
۵. اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین، (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، نشر کویر، تهران.
۶. اینگلهارت، رونالد؛ پل آر، آبرامسون، (۱۳۷۸): امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه شهناز سمیع‌خانی، نامه پژوهش، ش ۱۴ و ۱۵.

۷. بستان (نجفی)، حسین و همکاران، (۱۳۸۸): اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، چاپ چهارم.
۸. رتیزر، جرج، (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم، تهران، چاپ دوم.
۹. زارتسکی، ایلائی (۱۳۹۰): سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران، چاپ اول.
۱۰. شمشیری، بابک (۱۳۸۷): جهانی‌شدن و تربیت دینی از نظر مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و عرفان اسلامی، مجله دانشور، سال ۱۵، ش ۳۰، صص ۷۰-۵۳.
۱۱. عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ ترابی، فاطمه، (۱۳۸۵): سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱، ش ۲، صص ۸۸-۶۱.
۱۲. عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۸)، آرمان‌گرایی در توسعه و تغییر خانواده با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران، مطالعه موردی شهر یزد، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر محمد جلال‌عباسی شوازی، گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۱۳. عنبری، موسی (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران، چاپ دوم.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲): چشم‌انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، آفتاب، سال سوم، شماره ۲۹، صص ۵۷-۵۴.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷): گفتارهایی دربارهٔ یکپارچگی جهانی، جهان رها شده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب، تهران، چاپ دوم.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸): تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، چاپ ششم.
۱۸. لوکاس، دیوید؛ و پاول، میر (۱۳۸۱): درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
19. Abbasi, S. , Donald, P. (2008a). *Family change in Iran: Religion, Revolution and the state 177-199 in International family change, Ideational perspectives*, Edited by Jayakody. Thornton, Axinn, Lawrence Erlbaum Associates, Taylor and Francis, New York, London.
20. Abbasi, SI, Donald, P. & Hosseini, M. (2008b): *Modernization or Cultural maintenance, the practice of consanguineous marriage in Iran*. Cambridge university press, 40: pp 911-933.
21. Aghajanian, A. (2001). *Family and family change In Hran, in Charles B. Hennon, Timothy H. Brubker Diversity in family: Global perspective*, New York, Wad Worth publishing Company.

22. Good, William, (1963). *World revolution and family patterns' press Publition*. New York.
23. Thornton, A. (2001). The developmental paradigm, reading history sideways. *Family Change, Demography*, 38 (4) 449-465.
24. Colter, M , Michell (2009). Three essays on world views, autonomy and the family in Nepal, *A dissertation submitted in partial Fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of philosophy (sociology)*, in the university of Michigan. Doctoral Committee: professor Arlamd D Thornton. Chair Professor William G. Axinn, Professor Miles S. Kimball, Professor Yu xie, copying by proquest LLC.
25. Colter, M. (2010): *The influence of modernization paradigm of people's beliefs about family and social change*, [www.Princeton.edu/~Cmitche/index-files/casual](http://www.Princeton.edu/~Cmitche/index-files/casual).
26. Good, W. (1963). *World revolution and family patterns' press publication*. New York.
27. Harven, Tamara, K. (1979). Modernization and family History: perspectives on social Change, *Chicago Journals*, 2, No1 pp:190-206.
28. Malthus, T.R. (1986): *An essay on the principle of population"*, In *Thomas Malthus: an Essay on the principle of population*, edited by A. Flew New York: Penguin.
29. Lesthaeghe, R. (1983). A century of demographic and Cultural Change in Western Europe: An exploration of underlying dimensions. *Population and Development Review*, 9 (3), 411-435
30. Lesthaeghe, R. (1980). On the social control of human reproduction. *Population and Development Review*, 9: 411-35.
31. Lesthaeghe, R. & Surkyn, J. (2008). *When history moves on: the foundations and diffusion of the second demographic transition*, 81-119 in *International family Change Ideational perspectives*, Edited by Jayakody, Thornton, Axinn, Lawrence Elbaum Associates, Taylor and Francis, New York, London
32. Lesthaghe, R & Willson, C. (1986): *Modes of production, secularization and the pace of fertility decline in western. Europe, 1870-1930*. In A. Cole & S.C. Watkins (Eds), *the decline of fertility in Europe* (pp 261-292). Princeton, NJ Princeton university press
33. Rosina, Al. & Fraboni, R. (2004): Is marriage losing its centrality in Italy?" *Demographic Research*, 11, Article 6, Pages 149-172, 14 September, [http://www.demographic\\_research.org/volumes/vol11/6/](http://www.demographic_research.org/volumes/vol11/6/).
34. Thornton, A & Yang, D. (2001). Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: the 1960 S through the 1990 S. *Journal of Marriage and the Family*, 63 (4), 1009-1037.
35. Thornton, A. (2005). *Reading history sideways: the fallacy and enduring impact of the developmental paradigm on family life*, Chicago: the University of Chicago Press.